مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان ، سال یازدهم ، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شمارهٔ پیاپی ۲۱

DOI: ۱۰.۲۲۰۶۷/LJ.V۱۱I۲۱.۷۹۳۳۳

گسترش‌پذیری واژه‌بست‌های مطابقه در گزاره‌های تک‌مفعولی کُردی اردلانی (نظریّهٔ فاز)

روزیتا رنجبر[۱]، (دانش آموختهٔ دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

بهرام مدرسی[۲]، (استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، تهران، ایران)

صص: ۲۳۱-۲۵۴

چکیده

نظریّهٔ فاز به‌عنوان آخرین دستاورد برنامهٔ کمینه‌گرا در جهت بهینه ساختن محاسبات و اقتصاد اشتقاق زبانی مطرح شده است. در این نظریّه، اشتقاق نحوی ساخت‌های زبانی به‌صورت مرحله‌به‌مرحله انجام می‌شود و پس از کامل شدن هر فاز، متمم فاز به دو سطح «صورت آوایی» و «صورت منطقی» جهت خوانش آوایی و معنایی منتقل می‌شود و درنهایت، بر اساس شرط نفوذناپذیری چامسکی (۲۰۰۰)، تنها هستهٔ فاز و مشخص‌گرهای آن برای ادامهٔ محاسبات باقی می‌مانند. در این مقاله به بررسی گسترش‌پذیری واژه‌بست‌ها در گزاره‌های تک‌مفعولی کُردی اردلانی بر اساس «نظریّهٔ فاز» پرداخته شده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که نظریّهٔ فاز تا چه اندازه در گسترش‌پذیری واژه‌بست‌ها در گزاره‌های تک‌مفعولی این زبان دخالت دارد و محدودیت واژه‌بست‌های مطابقه در انتخاب میزبان چگونه است؟ برای گردآوری داده‌ها از شیوه‌های میدانی، کتابخانه‌ای و شَمّ زبانی استفاده شده است. در پژوهش حاضر به بررسی گزاره‌های تک‌مفعولی کُردی اردلانی و تحلیل نظری آنها با توجّه به تحلیل نظری سیتکو (۲۰۱۴) پرداخته می‌شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظریّهٔ فاز از کفایت لازم جهت تبیین گسترش‌پذیری واژه‌بست‌ها در کُردی اردلانی برخوردار است. همچنین واژه‌بست‌ها در انتخاب قیدها دارای محدودیت جایگاه هستند و قیدهای با دامنهٔ گسترده را انتخاب نمی‌کنند.

کلیدواژه‌ها: گسترش‌پذیری واژه‌بست، گزاره‌های تک‌مفعولی، نظریّهٔ فاز، مطابقه.

تاریخ دریافت :۱۳۹۸/۱۰/۲۴   تاریخ پذیرش : ۱۳۹۹/۱۰/۰۶

پست الکترونیکی: ۱. ranjbar.roz@gmail.com   ۲. ba.modarresi@yahoo.com

مقدّمه

نظریّهٔ فاز

از جدیدترین مفاهیم نظری در برنامه‌ی کمینه‌گرا، «نظریّهٔ فاز»[۱] چامسکی[۲] (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) است که آن را جهت کاهش میزان پیچیدگی فرآیندهای محاسباتی در نظام زبان پیشنهاد می‌دهد. به اعتقاد وی، ساختارهای نحوی هم‌زمان و در یک فاز رخ می‌دهند. چامسکی مفهوم فاز را جهت تبیین چرخه‌ای بودن حرکت پرسش‌واژه مطرح کرد. بر اساس این نظریّه، ساخت‌های پرسشی نتیجهٔ عملیات فازها هستند. در مسیر اشتقاق نحوی، پس از تکمیل هرکدام از فازهای مفروض، محدودهٔ مورد نظر جهت خوانش معنایی و آوایی به بخش‌های منطقی و آوایی انتقال می‌یابد. درنتیجه، این محدوده در مراحل دیگر اشتقاق نحوی، غیرقابل‌دسترس خواهد بود که چامسکی (۲۰۰۰) از آن به‌عنوان شرط «نفوذناپذیری فاز»[۳] یاد می‌کند. با تمرکز بر این پرسش که آیا شرط نفوذناپذیری فاز بر روی تمام فرآیندهای نحوی تأثیرگذار است یا اینکه تنها زیرمجموعه‌هایی مانند «حرکت/ ادغام» یا «حرکت و تطابق» را در برمی‌گیرد، دو پیش‌بینی تجربی مختلف مطرح می‌شود. به عقیدهٔ سیتکو[۴] (۲۰۱۴: ۳۲) آن چیزی که محدودهٔ نحوی را فاز می‌نامد به فرمول خاصّ شرط نفوذناپذیری بستگی دارد؛ بنابراین، وی نسخه‌های متفاوتی از شرط نفوذناپذیری را با توجّه به مدّت زمان در دسترس بودن قلمرو درون فاز، ارائه می‌دهد.

پژوهش حاضر با استفاده از «نظریّهٔ فاز» و دیدگاه تحلیلی سیتکو (۲۰۱۴) به توصیف، بررسی و تحلیل نظری میزبان‌گزینی واژه‌بست‌های مطابقه در زبان «کُردی اردلانی» می‌پردازد. در بخش دوم به معرفی پژوهش‌های ایرانی و غیر ایرانی در زمینهٔ دیدگاه فاز، واژه‌بست و مطابقه می‌پردازیم. در بخش سوم مقاله، مبانی نظری و چهارچوب منتخب در مقاله، مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در بخش چهارم گزاره‌های تک‌مفعولی زبان کردی[۵] اردلانی با استفاده از

---

۱. Phase Theory

۲. Chomsky

۳. Phase impenetrability condition

۴. Citko

۵. زبان کردی از رده زبان‌های ایرانی شمال غربی می‌باشد که خود شاخه‌ای از زبان‌های هند و ایرانی متعلق به خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی است و به لحاظ جغرافیایی یکی از زبان‌های موجود در خاورمیانه است که عمدتاً در قسمت‌هایی از ایران، سوریه، عراق و ترکیه به آن تکلم می‌شود(دانش‌پژوه، ۱۳۸۷).

شمّ زبانی و کتب دستور زبان کردی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، همچنین سعی بر آن است تا با تعمیم رویکرد نظری سیتکو (۲۰۱۴) در تحلیل داده‌های این زبان به نتایج قابل توجّهی در راستای شیوه‌ی میزبان‌گزینی واژه‌بست‌ها در کُردی اردلانی دست یابیم. در بخش پنجم، نتایج و دستاوردهای تحقیق ارائه می‌گردد.

پیشینهٔ تحقیق

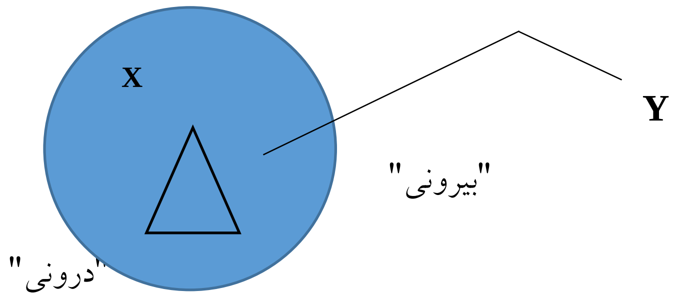
از مطالعات صورت‌گرفته در زمینهٔ اشتقاق فاز می‌توان به پژوهش کریمی (۱۳۹۳)، حیدری‌زادی و دیگران (۱۳۹۵)، گرومن[۱] (۲۰۰۹)، سیتکو (۲۰۱۴)، سید[۲] و سیمسون[۳] (۲۰۱۷) اشاره کرد. رویکرد سیتکو (۲۰۱۴) مبنی بر دوگانگی شرط نفوذناپذیری فاز از جمله نقاط اشتراک این پژوهش با مقاله حاضر است. در این مقاله با تعمیم دادن رویکرد سیتکو، داده‌های کُردی اردلانی مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

در پژوهش حیدری‌زادی، حسینی معصوم، نجفیان، روشن (۱۳۹۵)، تحت عنوان «تحلیل یک نوع فعل مرکّب فارسی بر اساس نظریّهٔ اشتقاق فاز»، محقّقان نشان می‌دهند که فعل‌های مرکّب ساخته‌شده با فعل «کَرد» در زبان فارسی دارای ساخت اشتقاقی فازگونه هستند. به اعتقاد ایشان، ریشهٔ فعل غیر فعلی در دامنهٔ یک فاز ساختواژی ادغام می‌شود. سپس آن ریشه‌ها برای رفع نیازهای اشتقاقی یا محاسباتی به پوسته‌ی آن فاز ساختواژی حرکت می‌کنند که در آن جایگاه تحت تأثیر عملیات نحوی می‌توانند به جایگاه‌های نحوی حرکت کنند و گسترش یابند. پژوهشگران در این پژوهش فرض را بر این مبنا قرار می‌دهند که فعل‌های مرکّب، عملکرد دوگانه‌ی صرفی-نحوی دارند. ایشان از دیدگاه «ساختواژه درونی» و «ساختواژه بیرونی» مارانتز[۴] (۲۰۰۷) بهره می‌گیرند که بر اساس آن، ساختواژه درونی بخشی از اشتقاق است که در آن ریشه‌های واژگانی باهم ترکیب می‌شوند و مجموعه‌ای را می‌سازند که پایین‌تر از گروه ساختواژی قرار می‌گیرد. درنهایت، نمودار (۱) را ارائه می‌دهند که در آن گره «X» یک

---

۱. Grohmann
۲. Syed
۳. Simpson
۴. Marantz

هستهٔ فاز است که پس از ادغام ریشه‌های واژگانی وارد اشتقاق می‌شود و آنچه فراتر از این دامنه قرار می‌گیرد به اعتقاد مارانتز ساختواژه بیرونی است که در آنجا تغییر مقوله رخ می‌دهد.



نمودار (۱): اشتقاق فاز در واژگان. حیدری‌زادی و دیگران (۱۳۹۵).

کارلوگراسی[۱] (۲۰۰۹) در مقاله‌ی خود تحت عنوان «*نظریّهٔ فاز، خطی‌سازی و حرکت زیگزاگی*»[۲] به بررسی این موضوع می‌پردازد که سازه‌های موجود در نمودار درختی زبان، چگونه از حاشیهٔ «گروه فعلی پوسته‌ای» به حاشیهٔ «گروه متمم‌نما» حرکت می‌کنند. وی برای تبیین این موضوع، «حرکت زیگزاگی» را معرفی می‌کند. گراسی ضمن معرفی نظریّهٔ فاز چامسکی (۲۰۰۰) و نظریه‌ی خطی‌سازی چرخه‌ای فاکس[۳] و پتسکی[۴] (۲۰۰۵) دو نوع محدودیت بر روی حرکت آشکار را در اشتقاق نحوی نام می‌برد: اوّل، ممنوعیت حرکت از جایگاه متمم یک هسته به جایگاه مشخص‌گر همان گروه (ابلز،[۵] ۲۰۰۳)، دوم، ممنوعیت حرکت از جایگاه مشخص‌گر یک گروه به جایگاه مشخص‌گر همان گروه (کو،[۶] ۲۰۰۵). وی درنهایت ایده‌ای را تحت عنوان حرکت زیگزاگی مطرح می‌کند که بر اساس آن حرکت از حاشیهٔ یک فاز به حاشیهٔ فاز دیگر به‌صورت زیگزاگی صورت می‌گیرد. محقّق برای تبیین این

---

۱. Carlo Geraci
۲. Phase Theory, Linearization and Zig-zag movement
۳. Fox
۴. Pesetsky
۵. Abels
۶. Ko

موضوع سه نوع فرآیند نحوی را مورد بررسی قرار می‌دهد. فرآیند تطابق، حرکت کل سازه[۱] و مشخصهٔ اصل فرافکنی گسترده[۲].

از مطالعات صورت گرفته در زمینهٔی واژه‌بست، وند و مطابقه، می‌توان به مقاله‌ی ویدا شقاقی (۱۳۷۴)، محمّدابراهیمی و دانش‌پژوه (۱۳۸۷)، حسینی (۱۳۹۵)، دانش‌پژوه (۱۳۸۵)، کریمی (۱۳۸۸، ۲۰۱۳)، دبیرمقدّم (۲۰۱۲،۱۳۹۲)، بدخشان، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۳)، رنجبر (۱۳۹۴، ۱۳۹۷)، کاظمی و رنجبر (۲۰۱۹) اشاره کرد. در پژوهش‌های یادشده، مقولهٔ «واژه-بست» و «الگوی مطابقه» به‌طور عام و بررسی «واژه‌بست‌ها» در زبان‌های مختلف به‌طور خاص مورد مطالعه قرار گرفته است. برای مثال، دانش‌پژوه (۱۳۸۵) در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود حالت و مطابقه را در گویش «بادینی»، «سورانی» و «هورامی» مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. وی با توجّه به نظریّهٔ «حاکمیت» و مرجع‌گزینی»، از ساخت کنایی در زبان کردی، تحلیلی را ارائه می‌دهد و بر اساس داده‌های کردی مهابادی، به این نتیجه می‌رسد که واژه‌بست‌ها جزء لاینفک ساختار جملات در زمان گذشته هستند و با اشاره به تحلیل رابرتز[۳] (۲۰۰۰: ۷۸) بر روی زبان پشتو[۴] جایگاه ویژه‌ای را برای واژه‌بست‌ها در نمودار درختی پیشنهاد پیشنهاد می‌دهد.

محمّدابراهیمی و دانش‌پژوه (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «*واژه‌بست و روابط دستوری معنایی آن با فعل در زبان کردی (گویش سورانی)*» به بررسی مقولهٔ واژه‌بست‌ها در زبان کردی، گویش سورانی (گونه‌ی مهابادی) پرداخته‌اند و روابط دستوری و معنایی را در این گویش بر اساس نظریّهٔ «حاکمیت و مرجع‌گزینی» مورد مطالعه قرار داده‌اند. به باور آنها در زبان کردی، واژه‌بست‌ها به لحاظ نحوی آزاد و به لحاظ آوایی وابسته هستند و ازآنجایی‌که واژه‌بست‌ها از ویژگی موضوع‌های فعل برخوردارند، می‌توانند یک گره نحوی جداگانه را در نمودار درختی به خود اختصاص دهند.

کاظمی و رنجبر (۲۰۱۹) به بررسی فرآیند «وندافزایی» در زبان کردی با استفاده از رویکرد «صرف توزیعی» پرداخته‌اند. به اعتقاد ایشان با توجّه به اینکه در صرف توزیعی مبحثی تحت

---

۱. Pied piping

۲. Extended Projection Principle / EPP

۳. Taylor Roberts

۴ـ زبان پشتو یکی از زبان‌های ایرانی شرقی است که واژه‌بست‌ها نقش مهمی را در ساختار دستوری جملات در این زبان ایفا می‌کنند.

عنوان تمایز میان «وند اشتقاقی» و «وند تصریفی» وجود ندارد، درنتیجه تمام وندها (واژگانی و نقشی) طیّ فرآیند ادغام، واژه‌ای جدید به دست می‌دهند. در فرآیند وندافزایی پس از رقابت تکواژها باهم، درنهایت تکواژی که از مشخصه‌های منطبق‌تری با ریشه برخوردار است برگزیده می‌شود و با ریشه در فرآیند اشتقاق شرکت می‌کند و در گره‌های پایانی، در مرحله‌ی درج لغت[1] تجلّی آوایی می‌یابد. در صرف توزیعی ساخت نهایی واژه، حاصل عملکرد فرایندهای نحوی ادغام و حرکت است. پژوهشگران یادشده، چهار نشانه‌ی جمع‌ساز «-gǣl»، «-ân»، «-hâ» و «-ât» را در کُردی اردلانی معرفی می‌کنند که به انتهای اسم می‌پیوندند و واژه‌های جمع ایجاد می‌کنند. به اعتقاد ایشان، از میان این وابسته‌های پسین، پسوند «-gǣl»، «-ân»، دارای کاربرد بیشتری هستند و به‌طور عام در این زبان بکار می‌روند، درحالی‌که پسوندهای «-hâ» و «-ât» کاربردی عام و گسترده ندارند و دارای محدودیت در کاربرد هستند.

از پژوهشگران غیر ایرانی در زمینۀ واژه‌بست و مطابقه، می‌توان زوییکی[2] (۱۹۷۷،۱۹۸۳،۱۹۸۵)، ماهاجان[3] (۱۹۹۰)، هیگ[4] (۱۹۹۸)، رابرتز (۲۰۰۰)، هولمبرگ[5] و اُودن[6] (۲۰۰۴)، ماریوس‌ماوروگئورگوس[7] (۲۰۱۰)، یان رابرتز[8] (۲۰۱۰) بیکر[9] (۲۰۱۵) را نام برد. مطالعات انجام‌گرفته در زمینۀ مطابقه و واژه‌بست در زبان کُردی در پژوهش‌های ایرانی و غیر ایرانی بیشتر جنبه توصیفی دارد. وجه اشتراک آثار مذکور با پژوهش حاضر، بررسی مقولۀ واژه‌بست و مطابقه است. در برخی آثار که با رویکرد تحلیلی و نظری همراه است، تحلیل‌ها اغلب بر مبنای نظریّۀ حاکمیت و مرجع‌گزینی و برنامۀ کمینه‌گرا صورت گرفته است. بررسی این مقوله‌ها با توجّه به نظریّۀ فاز، کمتر مورد توجّه بوده است. در آثار غیر ایرانی که نظریّۀ فاز مورد توجّه بوده است، زبان‌هایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که حوزۀ میزبان‌گزینی آنها در فاز دوم، یعنی گروه متمم‌نما، بوده است و در آثار ایرانی که از رویکرد فاز استفاده شده است، زبان

---

۱. Vocabularly insertion
۲. Zwicky
۳. Mahajan
۴. Haig
۵. Holmberg
۳. Odden
۷. Marios Mavrogiorgos
۸. Ian Roberts
۹. Baker

کُردی اردلانی به‌طور خاص مورد مطالعه قرار نگرفته است. از طرفی موضوعات مورد پـژوهش از جمله گسترش‌پذیری واژه‌بست‌ها، تعیین الگـوی مطابقـه در زبـان کـردی و واژه‌بسـت‌هـای جایگاه دوم در بین پژوهشگران همچنان از مباحث چالش‌برانگیز اسـت، لـذا پـژوهش حاضـر می‌تواند دارای اهداف نوآورانه و مطالب درخور توجّه درراستای چالش‌هـای موجـود باشـد و برای تحقیقات بیشتر در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد.

مبانی نظری

نظریّهٔ فاز در برنامهٔ کمینه‌گرا در جهت بهینه‌ساختن محاسبات و اقتصاد اشتقاق زبانی توسط چامسکی (۲۰۰۰، ۲۰۰۱) مطرح گردید. در این نظریّه، اشتقاق نحوی سـاخت‌هـای زبـانی بـه-صورت مرحله‌به‌مرحله انجام می‌شود. در هر گام یا فاز، پس از انجام عملیات نحـوی، اشـتقاق به‌دست‌آمده برای بازنمون نحوی به دو سطح صورت آوایی و صورت منطقی سـپرده مـی‌شـود که هدف کاهش بار حافظه و افزایش کارایی محاسباتی است (دبیرمقدّم، ۱۳۹۲). در گام نحوی اوّل که گروه فعلی پوسته‌ای شکل می‌گیرد، درواقع محتوای گزاره‌ای جمله تعیین می‌شود و در گام نحوی دوم که هنگام تشکیل گروه متمم‌نما اسـت، معنـای کلامـی جملـه تعیـین مـی‌شـود (کریمی، ۱۳۹۳). اشتقاق‌های نحوی پس از کامل شدن در هر فاز، به دو سطح صورت آوایی و صورت منطقی جهت خوانش آوایی و معنایی منتقل مـی‌شـوند و درنهایـت تنهـا هسـتهٔ فـاز و مشخص‌گرهای آن برای ادامهٔ محاسبات، فعّال باقی می‌ماند کـه طبـق اصـل نفوذناپـذیری فـاز چامسکی (۲۰۰۵)، محدوده‌ای که تحت تسلط سازه‌ای هستهٔ فاز قرار دارد، نسـبت بـه سـازه‌ی جستجوگر بیرون از آن فاز، نفوذناپـذیر و تنهـا حاشـیهٔ[۱] فـاز کـه شـامل هسـتهٔ فـاز و جایگـاه مشخص‌گر آن است، برای فاز بالاتر قابل رؤیت و دسترسی است.

سیتکو (۲۰۱۴: ۳۲) با تمرکز بر این پرسش کـه آیـا شـرط نفوذناپـذیری فـاز بـر تمـام فرآیندهای نحوی تـأثیرگذار است یا اینکه تنها زیرمجموعـه‌هـایی ماننـد «حرکـت/ ادغـام» یـا «حرکت و مطابقه» را در برمی‌گیرد، دو پیش‌بینی تجربی مختلف را مطرح مـی‌کنـد. بـه عقیـدهٔ وی، آن چیزی که یک محدوده را به فاز مبدل می‌کنـد بـه فرمـول خـاص شـرط نفوذناپـذیری

---

۱. Edge

بستگی دارد؛ بنابراین وی نسخه‌های متفاوتی از شرط نفوذناپذیری فاز را با توجّه به مدّت زمان در دسترس بودن محدودهٔ درون فـاز، ارائـه مـی‌دهـد. بـه نظـر وی، دو نسـخهٔ مهـم از شـرط نفوذناپذیری فاز وجود دارد؛ نسـخهٔ اوّل در چامسـکی (۲۰۰۰) «جسـتارهای کمینـه‌گرایـی»[۱] و نسخهٔ دوم در چامسکی (۲۰۰۱) «اشتقاق مبتنی بر فاز». سیتکو (۲۰۱۴ :۳۳) این دو نسخه را بـه ترتیب تحت عنوان شرط نفوذناپذیری «قوی»[۲] و «ضعیف»[۳] معرفی می‌کند و فرمـول (a)۱ را از چامسکی ارائه می‌دهد که بر اساس آن Z و H هسته‌های فاز هسـتند و X هسـته‌ای غیـر فـاز است که بین آنها قرار گرفته است. وی همچنین فرمول (b)۱ را ارائه می‌دهد و معتقد است کـه این فرمول با فرمول (a)۱در اینکه c و v هستهٔ فاز هستند و T هستهٔ فاز نیست، یکسان است.

۱.a: $[_{ZP}\ Z \ldots [_{XP}\ X\ [_{HP}\ \alpha\ [\ H\ \ YP\ ]\ ]\ ]\ ]$

۱.b: $[_{CP}\ c \ldots [_{TP}\ T\ [_{vP}\ DP\ [\ v\ \ VP\ ]\ ]\ ]\ ]$

با توجّه به فرمول (۱)، در نسخهٔ اصـلی شـرط نفوذناپـذیری فـاز، در فـاز α بـا هسـته H، محدودهٔ H برای فرآیندهای نحوی خارج از α غیرقابل‌دسترس اسـت و تنهـا H و حاشـیهٔ آن برای اشتقاق نحوی در دسترس قرار دارند. بر اساس این فرمول، به‌محـض اینکـه HP تکمیـل گردد، متمم H بازنمایی می‌شود و برای فرآیندهای بعدی غیرقابل‌دسترس خواهد بود. با توجّـه به توضیحات فوق می‌توان دو نسخهٔ شرط نفوذناپذیری فاز را بر اساس چامسکی (۲۰۰۱: ۱۳–۱۴) این‌گونه بیان کرد که:

شرط نفوذناپذیری قوی: محدودهٔ H برای فرآیندهای خارج از HP غیرقابل‌دسترس است و تنها H و حاشیهٔ آن برای چنین فرآیندهایی قابل دسترس هستند.

شرط نفوذناپذیری ضعیف: محدودهٔ H تنها برای فرآیندهای ZP/CP غیرقابل‌دسترس است و می‌تواند در فرآیندهای پایین‌تر مانند XP/TP شرکت کند.

همان‌گونه که مشهود است با توجّه به اینکه محـدودهٔ هسـتهٔ فـاز، غیرقابـل‌دسـترس باشـد تعاریف متفاوتی وجود دارد؛ به‌محض اینکه HP کامل شود در مقابل، هستهٔ فاز بعـدی (C/Z) کامل می‌شود؛ بنابراین هر دو نسخهٔ شرط نفوذناپذیری فاز، محدودیت‌های متفاوتی را بر مـدّت زمانی که سازهٔ هدف درون محدودهٔ متمم در طول فرآیندهای نحوی مورد جستجو قرار گرفتـه

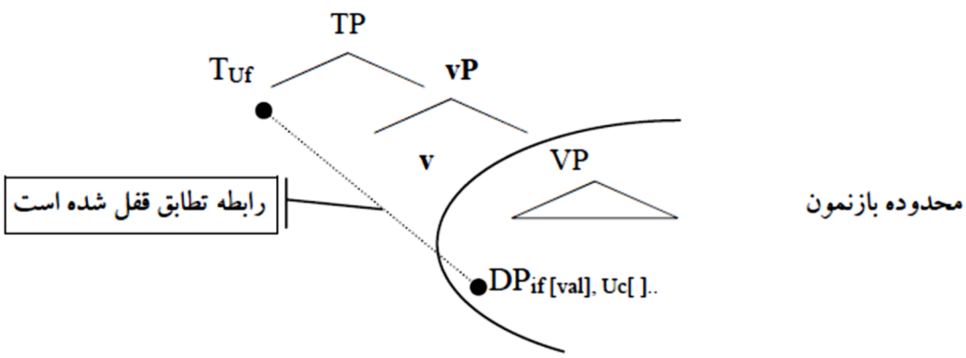
---

۱. Minimalist Inquiries

۲. Strong Phase Impenetrability Condition / PIC۱

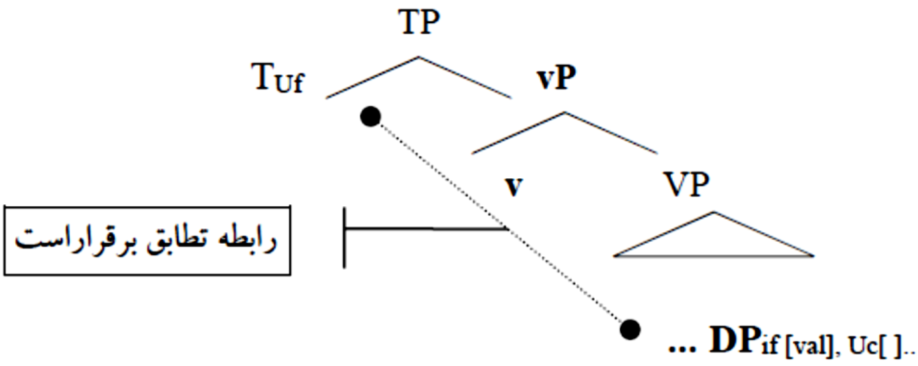
۳. Weak Phase Impenetrability Condition / PIC۲

می‌شود، اعمال می‌کنند. اگر فاز HP به‌طور مستقیم تحت تسلط سازه‌ای Z/C (هستهٔ فاز بالاتر) باشد، دو نسخهٔ شرط نفوذناپذیری فاز، به‌طور تجربی باهم برابرند. بدین‌صورت که هردو در سطح ZP/ CP قرار می‌گیرند و تنها حاشیهٔ H که شامل خود H، مشخص‌گر آن و افزوده‌های آن است، برای Z/C قابل دسترس است. این دو نسخه در پیامدهای تجربی پیکره‌بندی‌شان از هم متفاوت هستند. درواقع بین هستهٔ زمان X/T و مفعول مستقیم رابطه‌ای واقعی وجود دارد. بر اساس شرط نفوذناپذیری قوی، همان‌گونه که در نمودار (۲) مشهود است T نمی‌تواند با DP مطابقه کند.



نمودار (۲): عدم تطابق هسته زمان و مفعول، برگرفته از سیتکو (۲۰۱۴: ۳۴).

بر اساس شرط نفوذناپذیری ضعیف، هستهٔ زمان T می‌تواند در رابطهٔ تطابق شرکت کند (نمودار ۲)، زیرا متمم v تنها برای فاز بالاتر یعنی فاز CP غیرقابل‌دسترس است.



نمودار (۳): تطابق هسته زمان و مفعول، برگرفته از سیتکو (۲۰۱۴: ۳۵).

یکی از دلایل وجود این نوع از مطابقه وجود زبان‌هایی مانند ایسلندی و لهستانی است که در آنها مفعول، حالت فاعلی دارد؛ بنابراین VP نمی‌تواند قبل از فرآیند تطابق بازنمایی شود. درواقع این استدلال در جهت اولویّت شرط نفوذناپذیری ضعیف بر شرط نفوذناپذیری قوی است (سیتکو، ۲۰۱۴: ۳۶). با توجّه به توصیف مبانی نظری، در ادامه به تحلیل نظری داده‌های کُردی اردلانی می‌پردازیم و بررسی می‌کنیم که نظریّهٔ فاز تا چه اندازه می‌تواند گسترش‌پذیری واژه‌بست‌ها را در این زبان تبیین و توجیه کند.

تحلیل نظری داده‌ها

در این بخش با مبنا قرار دادن تحلیل نظری سیتکو (۲۰۱۴)، به تحلیل گزاره‌های تک‌مفعولی در زبان کُردی اردلانی می‌پردازیم و نشان می‌دهیم که گسترش‌پذیری واژه-بست‌های مطابقه در آن چگونه است.

جایگاه واژه‌بست در کُردی اردلانی

واژه‌بست‌ها تکواژهای وابسته‌ای هستند که ماهیّت بیناحوزه‌ای دارند. در سطح آوایی، ازآن‌جهت که به‌تنهایی خوانش آوایی ندارند، نیازمند میزبان برای تجلّی آوایی هستند. واژه‌بست‌ها باعث تغییر آوایی در میزبان نمی‌شوند، بلکه تنها برای تجلّی آوایی به میزبان الحاق می‌شوند؛ بنابراین در سطح آوایی همانند وندها وابسته هستند؛ اما در سطح نحو، به‌عنوان یک سازهٔ مستقل در نظر گرفته می‌شوند و جایگاه نحوی آزاد دارند (زوییکی، ۱۹۷۷).

واژه‌بست‌های شخصی (ضمیرهای شخصی متصل) در کُردی اردلانی در زمان گذشته و در جملات متعدی تجلّی می‌یابند. درواقع، فاعل بند متعدی در زمان گذشته از حالت‌نمایی دستوری خاصّی برخوردار نیست و توسط یک واژه‌بست غیر فاعلی بر روی نخستین سازه غیر فاعلی (مفعول) مضاعف‌سازی می‌شود. برای بررسی الگوی به کار رفته در ساخت‌های متعدی گذشته، باید آنها را در تقابل با رفتار فاعلِ بندِ لازم مورد مطالعه قرار داد.

۲. a. emæ ču-in.

ما[1] ۱ش ج- رفتن   «ما رفتیم»

b. emæ sef-æk-an=man xward-Ø

ما سیب-معرفه-ش۳=ج ش۱ خوردن   «ما سیب را خوردیم»

در مثال «۲a» که جمله‌ی لازم در زمان گذشته است، فعل در ارجاع متقابل با فاعل است و مطابقه از طریق وند تصریفی فاعلی بر روی فعل نمایان می‌شود. در مثال «۲b» که جمله‌ی متعدی در زمان گذشته است، گروه‌های اسمی فاعل و مفعول فاقد هرگونه تکواژ حالت‌نما هستند؛ لذا برای تعیین رفتار گروه‌های اسمی از رابطهٔ ارجاع متقابل استفاده می‌کنیم. همان‌گونه که از مثال‌های «۲a» و «۲b» مشهود است، فاعل در جمله‌ی لازم، فاعل در جمله‌ی متعدی و مفعول در جمله‌ی متعدی هرکدام رفتار متفاوتی را از خود نشان می‌دهند. به این الگوی رفتاری، «الگوی سه‌بخشی» اطلاق می‌شود که در زبان کُردی اردلانی وجود دارد (دبیرمقدّم، ۱۳۹۲).

با توجّه به توضیحات بالا، می‌توان گفت که در کُردی اردلانی، در جملات متعدی در زمان گذشته به یک واژه‌بست نیاز است؛ بنابراین زمان، مجوز حضور واژه‌بست‌های شخصی در این زبان است. این واژه‌بست‌ها نوعی شناسهٔ نقشی[2] هستند و از طرفی به‌عنوان هسته با فاعل جمله

---

۱. با توجّه به اینکه مقاله مذکور به زبان فارسی است و خواننده‌ی مقاله نیز فارسی زبان است، لذا در شیوه گلاس‌نویسی از دبیرمقدّم (۱۳۹۲) پیروی شده است.

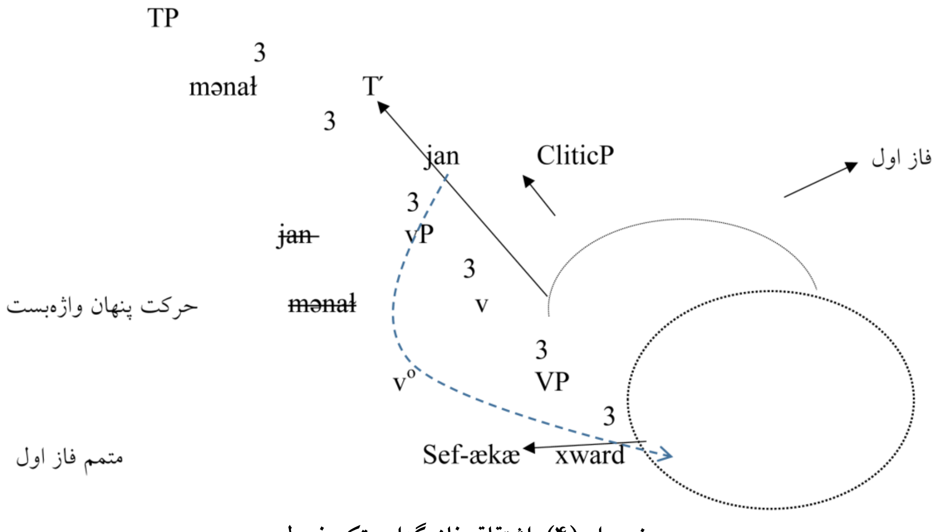
۲ Functional Identity

و حتّی با مفعول فعل متعدی مطابقه می‌کنند و مشخصه‌های فای (شخص، شمار و جنس) آنها را نشان می‌دهند؛ بنابراین می‌توانند در جایگاه زمان مستقر شوند. در بررسی داده‌های کُردی اردلانی مشاهده می‌شود که در ساخت‌های متعدی تک‌مفعولی در زمان گذشته، واژه‌بست مطابقه در صورت حضور مفعول، آن را به‌عنوان میزبان برمی‌گزیند.

۳. mənał-ækæ-n sef-ækæ=jan xward-Ø.

«بچّه‌ها سیب را خوردند» خوردن ۳ش‌ج=۳ش‌ج معرفه–سیب ۳ش‌ج–معرفه–بچه

در نمودار (۴) همان‌گونه که مشهود است فاعل و مفعول در فاز اوّل قرار دارند و ازآنجایی‌که واژه‌بست به‌عنوان عنصر مطابقه‌نمای فاعل و مفعول معرفی شد؛ بنابراین باید در محدودهٔ فاز اوّل قرار گیرد و همراه با متمم فاز اوّل به بخش آوایی منتقل شود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، متمم فاز اوّل، شامل گروه فعلی هسته‌ای است که به سطح صورت آوایی و منطقی برای خوانش آوایی سپرده می‌شود. از طرفی واژه‌بست مطابقه، تنها متمم فاز اوّل را جهت میزبان‌گزینی خود در اختیار دارد؛ بنابراین به‌طور طبیعی و خودکار میزبان خود را از متمم فاز برمی‌گزینند. ازآنجایی‌که واژه‌بست‌های زبان کُردی اردلانی از نوع واژه‌بست‌های ویژه هستند، بنابراین جایگاه نحوی و جایگاه تجلّی آوایی آنها متفاوت است (کریمی، ۱۳۹۳).



نمودار (۴): اشتقاق فاز گزاره تک‌مفعولی.

این واژه‌بست‌ها با توجّه به دیدگاه رابرتز (۲۰۰۰) در نمودار درختی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند. به اعتقاد وی، واژه‌بست‌ها به دلیل آنکه در بعضی از زبان‌ها از ویژگی موضوع فعل‌ها و در بعضی از زبان‌ها از ویژگی مطابقه بهره‌مند هستند، می‌توان رویکرد

واحدی را برای آنها ارائه داد؛ بنابراین وی در نمودار درختی، گره نحوی جداگانه‌ای را برای واژه‌بست‌ها پیشنهاد داده است. به‌طوری‌که گروه واژه‌بست پایین‌تر از گروه زمان و بالاتر از گروه فعلی قرار می‌گیرد. با توجّه به اینکه واژه‌بست‌ها توانایی مطابقه با فاعل و مفعول را دارند، بنابراین می‌توانند به جایگاه هستهٔ زمان منتقل شوند (کریمی، ۱۳۹۳) و مشخصه‌های خود را با مشخصه‌های هستهٔ زمان مبادله کنند؛ بدین معنا که مشخصه‌های تعبیرناپذیر (شخص و شمار) هستهٔ زمان را ارزش‌گذاری می‌کنند و هستهٔ زمان نیز مشخصه حالت خود را به واژه-بست اعطا می‌کند. از طرفی واژه‌بست‌ها به‌عنوان شناسه نقشی می‌توانند طی حرکتی پنهان[۱] (ردفورد،[۲] ۲۰۰۹) از جایگاه هستهٔ زمان به جایگاه مفعول در گروه فعلی هسته‌ای منتقل شوند و به میزبان خود در محدودهٔ متمم گروه فعلی الحاق شوند. درنهایت خوانش آوایی آنها همراه با میزبان صورت می‌گیرد.

در خصوص فرآیند تطابق، می‌توان گفت که بر اساس شرط نفوذناپذیری ضعیف[۳] (سیتکو، ۲۰۱۴)، هستهٔ زمان T می‌تواند در رابطهٔ تطابق شرکت کند؛ زیرا متمم v تنها برای فاز بالاتر یعنی فاز CP غیرقابل‌دسترس است؛ بنابراین تطابق بین T و فاعل جمله امکان‌پذیر است. درواقع، می‌توان گفت که واژه‌بست «jan» در مثال (۲) به‌عنوان هسته با فاعل جمله مطابقه می-کند و مشخصه‌های فای (شخص، شمار) فاعل را بازبینی می‌کند. از طرفی، فاعل برای اقناع مشخصهٔ EPP[۴] به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. درنتیجه، تنها گزینهٔ قابل دسترس برای میزبانی واژه‌بست، مفعول جمله است که در متمم فاز اوّل قرار دارد؛ بنابراین واژه‌بست میزبان خود را در محدودهٔ گروه فعلی هسته‌ای انتخاب می‌کند و طی حرکتی پنهان (ردفورد، ۲۰۰۹) از جایگاه هستهٔ زمان به جایگاه مفعول در گروه فعلی هسته‌ای الحاق می‌شود و همراه با متمم فاز اوّل، به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود؛ بنابراین جایگاه اتصال واژه‌بست به میزبان توسط فاز تعیین می‌شود و واژه‌بست به‌محض انتقالِ اوّلین فاز به بخش آوایی، به آن ملحق می‌شود. در ساخت‌هایی متعدی با فعل مرکّب در زمان گذشته، اگر

۱. Covert Movement

۲. Radford

۳. Weak Phase Impenetrability Condition

۴. اصل فرافکنی گسترده در نظریهٔ حاکمیت و مرجع‌گزینی که در برنامهٔ کمینه‌گرا به عنوان یک مشخصه برای هسته گروه زمان تعریف شده است.

مفعول جمله بی‌کلام[۱] باشد، واژه‌بست، جزء غیر فعلی فعل مرکّب را به‌عنوان میزبان برمی‌گزیند.

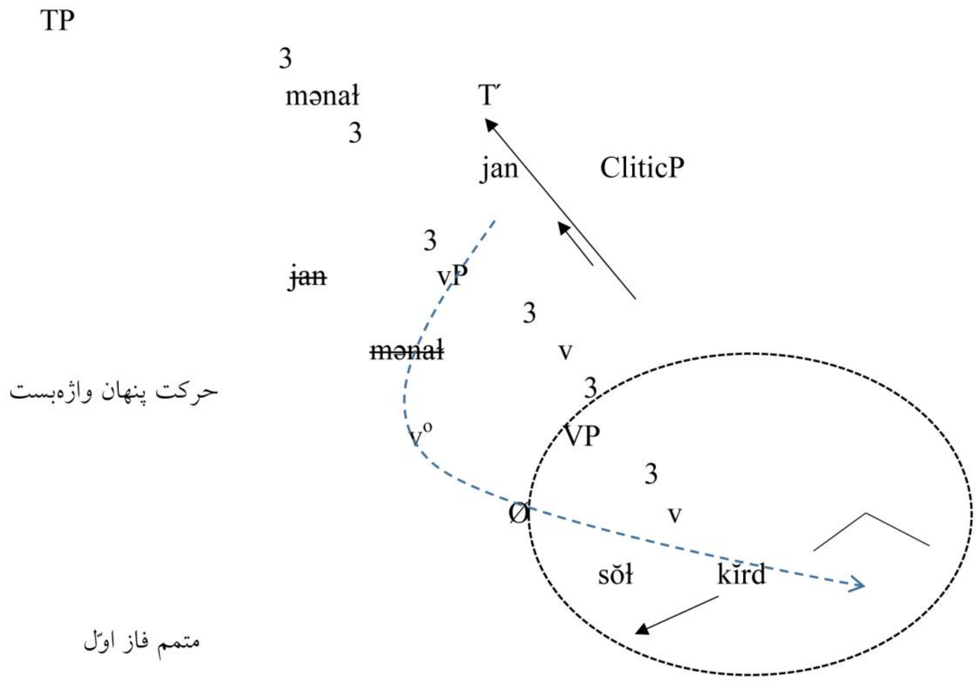
۴. mənæł–ækæ–n sŏł=jan kĭrd-Ø.

بچه–معرفه–۳ش‌ج شور=۳ش‌ج کردن "بچّه‌ها (غذا را) شور کردند"

همان‌گونه در نمودار (۵) مشهود است، فعل مرکّب در محدودهٔ متمم فاز اوّل قرار دارد و ازآنجایی‌که در این ساخت، مفعول به‌صورت بی‌کلام تظاهر یافته است، بنابراین می‌توان گفت که جزء غیر فعلی فعل مرکّب، اوّلین سازه در این محدوده است که به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود؛ بنابراین اوّلین گزینهٔ قابل دسترس برای واژه‌بست مطابقه در صورت نبود مفعول، جزء غیر فعلی فعل مرکّب است که واژه‌بست مطابقه به‌طور طبیعی و خودکار آن را به‌عنوان میزبان خود انتخاب می‌کند. همان‌طور که مشهود است، واژه‌بست مطابقه همچنان میزبان‌های خود را از محدودهٔ متمم فاز اوّل انتخاب می‌کند و با توجّه به اینکه اوّلین عناصر منتقل‌شده به حوزهٔ آوایی از فاز اوّل هستند، درنتیجه، هر عنصری که در این محدوده قرار گیرد، می‌تواند گزینهٔ مناسبی برای میزبانی واژه‌بست باشد.

---

۱. Null Spell out



نمودار (۵): اشتقاق فاز ساخت متعدی گذشته با فعل مرکّب در کُردی اردلانی.

در خصوص رابطهٔ تطابق نیز می‌توان گفت که بر اساس شرط نفوذناپذیری فاز ضعیف (سیتکو، ۲۰۱۴)، متمم گروه فعلی پوسته‌ای، تنها برای فاز بالاتر یعنی فاز CP غیرقابل‌دسترس است. ازاین‌رو، تطابق بین T و فاعل جمله امکان‌پذیراست؛ بنابراین می‌توان گفت که واژه‌بست «jan» در مثال (۴) به‌عنوان هسته با فاعل جمله مطابقه می‌کند و مشخصه‌های فای (شخص، شمار) فاعل را بازبینی می‌کند. از طرفی فاعل برای اقناع مشخصهٔ EPP به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. درنتیجه تنها گزینهٔ قابل دسترس برای میزبانی واژه‌بست، در صورت نبود مفعول، جزء غیر فعلی فعل مرکّب است که در متمم فاز اوّل قرار دارد؛ بنابراین واژه‌بست، میزبان خود را در محدودهٔ گروه فعلی هسته‌ای انتخاب می‌کند و طیّ حرکتی پنهان به آن الحاق می‌شود و همراه با متمم فاز اوّل به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود؛ بنابراین جایگاه اتصال واژه‌بست به میزبان، توسط فاز تعیین می‌شود و واژه‌بست به‌محض انتقال اوّلین فاز به بخش آوایی، به آن ملحق می‌شود. در این راستا می‌توان گزینه‌های دیگری از جمله صفت و قید را در کُردی اردلانی مورد بررسی قرار داد و محدودیت‌های آنها را در جهت میزبانی واژه‌بست‌ها مورد مطالعه قرار داد. در ادامه به بررسی چگونگی انتخاب صفت به‌عنوان

میزبان توسط واژه‌بست در کُردی اردلانی می‌پردازیم و تبیین آن را از دیدگاه نظریّهٔ فاز مورد مطالعه قرار می‌دهیم. در کُردی اردلانی موصوف قبل از صفت واقع می‌شود و فاقد هسته‌نما است. مثال (۵) میزبان‌گزینی واژه‌بست‌ها را بر روی صفت در کُردی اردلانی نشان می‌دهد.

۵ . a. Rŏžæ mæsi sür=i sænd-Ø.

روژا ماهی قرمز=۳ش‌م خریدن

«روژا ماهی قرمز خرید»

b. dæwa-e tał=man xward-Ø.

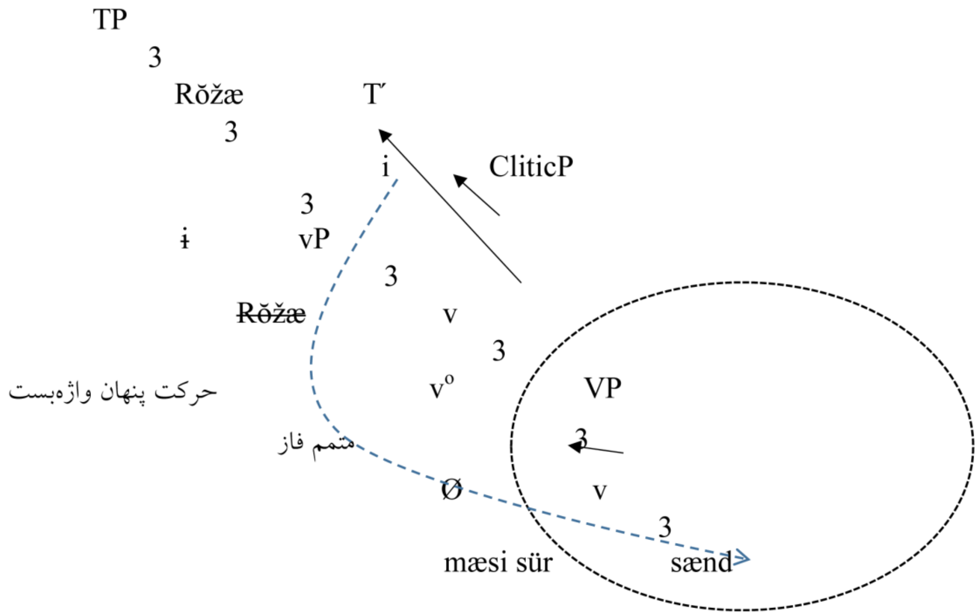
دارو-نکره تلخ=۱ش‌ج خوردن «یک داروی تلخ خوردیم»

در مثال‌های(۵) همان‌گونه که مشهود است واژه‌بست مطابقه در هر دو جمله، صفت را به‌-عنوان میزبان انتخاب می‌کند. با بررسی اشتقاق نحوی مثال‌های بالا از منظر دیدگاه فاز، تبیین نظری دیدگاه مذکور را در انتخاب صفت به‌عنوان میزبان توسط واژه‌بست مطابقه مورد مطالعه قرار می‌دهیم. نمودار (۶) اشتقاق فاز ساخت متعدی همراه با صفت را نشان می‌دهد.

۶. Rŏžæ mæsi sür=i sænd-Ø.

روژا ماهی قرمز=۳ش‌م خریدن 'روژا ماهی قرمز خرید'

در نمودار (۶) همان‌طور که مشهود است صفت «sür» به معنی «قرمز» در متمم فاز اوّل قرار دارد که مفعول جمله با آن، یک گروه نحوی را تشکیل می‌دهد و پس از ادغام با فعل جمله به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود؛ بنابراین واژه‌بست، گروه مفعولی را که شامل مفعول و صفت است به‌عنوان میزبان انتخاب می‌کند. درواقع واژه‌بست، کل گروه اسمی را به‌عنوان سازهٔ اوّل گروه فعلی هسته‌ای در نظرمی‌گیرد و به‌طور سامان‌مند آن را به‌عنوان میزبان برمی‌گزیند؛ بنابراین در کُردی اردلانی، صفت با موصوف، یک گروه اسمی را تشکیل می‌دهد که در محدودهٔ متمم فاز قرار می‌گیرد و جزء اوّلین عناصری است که به بخش آوایی فرستاده می‌شود. ازاین‌رو، میزبان مناسبی برای واژه‌بست مطابقه است و به نظر می‌رسد که محدودیت خاصّی در این رابطه ندارد.



نمودار (۶): اشتقاق فاز ساخت متعدی همراه با صفت.

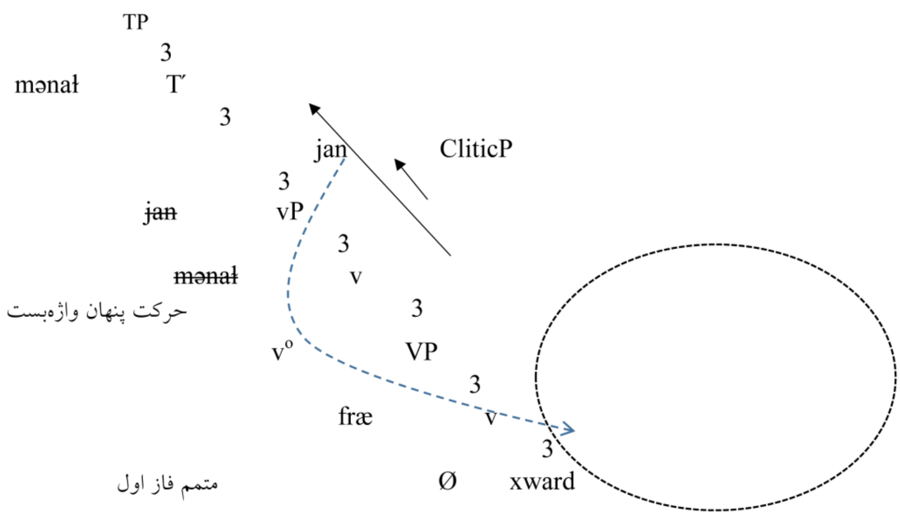
در خصوص رابطهٔ تطابق نیز می‌توان گفت که بر اساس شرط نفوذناپذیری فاز ضعیف سیتکو (۲۰۱۴)، متمم گروه فعلی پوسته‌ای، تنها برای فاز بالاتر یعنی فاز CP غیرقابل‌دسترس است ازاین‌رو، تطابق بین هستهٔ زمان (واژه‌بست) و فاعل جمله امکان‌پذیراست؛ بنابراین می‌توان گفت که واژه‌بست «i» در مثال (۶) به‌عنوان هسته با فاعل جمله مطابقه می‌کند و مشخصه‌های فای (شخص، شمار) فاعل را بازبینی می‌کند. از طرفی فاعل برای اقناع مشخصه اصل فرافکنی گسترده به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. درنتیجه، تنها گزینهٔ قابل دسترس برای میزبانی واژه‌بست، گروه اسمی (صفت و موصوف) است که در متمم فاز اوّل قرار دارد و واژه‌بست به‌عنوان شناسهٔ نقشی آن را برای میزبانی انتخاب می‌کند و در یک حرکت پنهان، به صفت موجود در گروه اسمی الحاق می‌شود و همراه با متمم فاز اوّل به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود. با بررسی داده‌های کُردی اردلانی مشاهده شد که در انتخاب صفت‌ها به‌عنوان میزبان واژه‌بست‌های مطابقه، محدودیتی وجود ندارد و ازآنجایی‌که صفت در محدودهٔ گروه فعلی قرار دارد، می‌تواند گزینهٔ مناسبی برای واژه‌بست باشد. در ادامه به مطالعه قیدها به‌عنوان میزبان واژه‌بست‌های مطابقه در کُردی اردلانی می‌پردازیم و محدودیت‌های موجود در انتخاب آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. با توجّه به بررسی داده‌های کُردی اردلانی، به نظر می‌رسد قیدها در پذیرش میزبانی واژه‌بست‌های مطابقه

دارای محدودیت هستند و بسته به جایگاه نحوی‌شان، می‌توانند انتخاب شوند. در ساخت‌های متعدی گذشته همراه با قید مقدار در کُردی اردلانی، واژه‌بست مطابقه، همچنان سازهٔ اوّل را به-عنوان میزبان خود انتخاب می‌کند.

۷. mənał-ækæ-n fræ=jan xwærd.

«بچّه‌ها خیلی خوردند» خوردن ۳ش‌ج=زیاد ۳ ش‌ج-معرفه-بچه

قید «fræ» به معنی «خیلی/ زیاد» در مثال (۷) جزء قیدهایی است که دامنهٔ محدود به گروه فعلی هسته‌ای دارد. این نوع قید، دارای دامنهٔ محدودی است که تنها کمیّت افزایشی/ کاهشی مفعول متأثر[۱] از رخداد فعلی را تعیین می‌کند. به‌طورکلّی، قیدها، بسته به میزان دامنهٔ اثرگذاری خود به گروه‌های نحوی متفاوت فعلی و زمانی افزوده می‌شوند (کریمی، ۱۳۹۳). قیدهای با دامنهٔ محدود به قیدهای گروه فعلی هسته‌ای معروف هستند این قیدها، به گروه‌های فعلی هسته‌ای افزوده می‌شوند و در جایگاه مشخص‌گر آن قرار می‌گیرند. نمودار (۷) شیوهٔ میزبان‌گزینی واژه‌بست مطابقه را با توجّه به حضور قید در جمله نشان می‌دهد.



نمودار (۷): اشتقاق فاز ساخت متعدی گذشته همراه با قید مقدار در کُردی اردلانی.

در نمودار (۷) همان‌گونه که مشهود است قید مقدار «fræ» در جایگاه مشخص‌گر گروه فعلی هسته‌ای قرار دارد و دارای دامنه محدودی[۲] است. بدین معنا که تنها بخشی از ساخت

---

۱ Affected object

۲. Narrow Scope

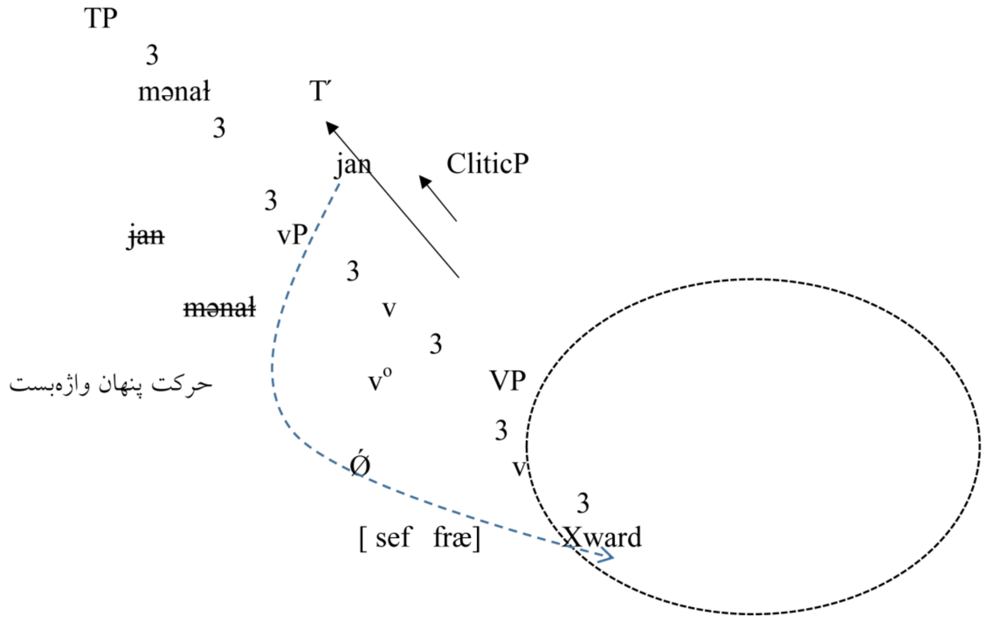
جمله را در برمی‌گیرد و جزء عناصر فاز اوّل محسوب می‌شود. از طرفی این قید در محدودهٔ متمم فاز اوّل قرار دارد، بنابراین همراه با متمم به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود. این قید با حضور مفعول در جمله، به‌عنوان اوّلین سازه در نظرگرفته می‌شود و ازآنجایی‌که واژه‌بست‌های مطابقه در کُردی اردلانی از نوع واژه‌بست جایگاه دوم هستند، بنابراین اوّلین سازه را جهت میزبانی انتخاب می‌کنند که در اینجا قید مقدار «fræ» به‌عنوان اوّلین سازه، گزینهٔ مناسبی برای میزبانی واژه‌بست است؛ بنابراین با توجّه به مثال (۷) می‌توان گفت که واژه‌بست‌های مطابقه در کُردی اردلانی قیدهای با دامنهٔ محدود را به‌عنوان میزبان انتخاب می‌کنند.

در خصوص رابطهٔ تطابق نیز می‌توان گفت که بر اساس شرط نفوذناپذیری فاز ضعیف سیتکو (۲۰۱۴)، متمم گروه فعلی پوسته‌ای، تنها برای فاز بالاتر یعنی فاز CP غیرقابل‌دسترس است ازاین‌رو تطابق بین T و فاعل جمله امکان‌پذیراست؛ بنابراین می‌توان گفت؛ واژه‌بست «jan» در مثال (۷) که در جایگاه هسته قرار دارد با فاعل جمله مطابقه می‌کند و مشخصه‌های فای (شخص، شمار) فاعل را بازبینی می‌کند. از طرفی فاعل برای اقناع مشخصه اصل فرافکنی گسترده به جایگاه مشخص‌گر گروه زمان حرکت می‌کند. درنتیجه تنها گزینهٔ قابل دسترس برای میزبانی واژه‌بست، قید جمله است که در متمم فاز اوّل قرار دارد؛ بنابراین واژه‌بست به‌-عنوان شناسهٔ نقشی در یک حرکت پنهان، به قید که در محدودهٔ گروه فعلی هسته‌ای قرار دارد و اوّلین گزینهٔ قابل دسترس برای میزبانی است الحاق می‌شود و همراه با متمم فاز اوّل به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود. واژه‌ی «fræ» می‌تواند در نقش صفتی همراه با مفعول در ساختار اضافه شرکت کند و در این صورت، بعد از مفعول قرار می‌گیرد و یک ترکیب مفعول و صفت را تشکیل می‌دهد که در این صورت واژه‌بست کل گروه اسمی را میزبان قرار می‌دهد؛ زیرا بر اساس قانون واکرناگل[1] (۱۸۹۲)؛ اوّلین سازه، لزوماً، اوّلین واژه نیست و می‌تواند یک گروه نحوی باشد.

۸. mənał-ækæ-n [sef fræ] =jan xwærd.

بچه-معرفه-۳ش‌ج سیب زیاد=۳ش‌ج خوردن «بچّه‌ها سیب‌های زیادی خوردند»

۱. Wackernagel



نمودار (۸): گروه نحوی، میزبان واژه‌بست در کُردی اردلانی.

با توجّه به نمودار (۸) می‌توان گفت که نظریّهٔ فاز، توانایی تبیین شیوه‌ی میزبان‌گزینی واژه‌بست‌ها را در داده‌های همراه با قید مقدار دارد و جایگاه اتصال واژه‌بست مطابقه را همچنان فاز تعیین می‌کند. بر اساس شرط نفوذناپذیری فاز ضعیف سیتکو (۲۰۱۴)، متمم گروه فعلی پوسته‌ای، تنها برای فاز بالاتر یعنی فاز CP غیرقابل‌دسترس است. ازاین‌رو، تطابق بین هستهٔ زمان (واژه‌بست مطابقه) فاعل جمله امکان‌پذیراست؛ بنابراین می‌توان گفت که واژه‌بست «jan» در مثال (۸) به‌عنوان هسته با فاعل جمله مطابقه می‌کند و مشخصه‌های فای (شخص، شمار) فاعل را بازبینی می‌کند. از طرفی به‌عنوان شناسه نقشی به گروه اسمی [sef fræ] که در محدودهٔ گروه فعلی هسته‌ای قرار دارد و اوّلین سازهٔ قابل دسترس برای میزبانی است، الحاق می‌شود و همراه با متمم فاز اوّل به بخش آوایی جهت خوانش آوایی فرستاده می‌شود. در ادامه به بررسی ساخت‌هایی می‌پردازیم که دارای قیدهای با دامنهٔ گسترده باشند. بدین معنا که بر کل رخداد انجام گرفته در بند، دامنه داشته باشند.

۱۰.a. mənał-ækæ-n yæwaš sef=jan xwærd.

بچه-معرفه-۳ش‌ج آرام سیب=۳ش‌ج خوردن «بچّه‌ها به‌آرامی سیب را خوردند»

b. *mənał-ækæ-n yæwaš=jan sef xwærd.

«بچّه‌ها به‌آرامی سیب خوردند» خوردن سیب ۳ش‌ج=آرام ۳ش‌ج–معرفه–بچه

c. mənal-ækæ-n bæ æjælæ fræ=jan xwærd.

«بچّه‌ها باعجله خیلی خوردند» خوردن ۳ش‌ج= زیاد عجله با ۳ش‌ج–معرفه–بچه

d . *mənal-ækæ-n bæ æjælæ=jan fræ xwærd.

«بچّه‌ها باعجله خیلی خوردند» خوردن کم ۳ش‌ج= عجله با ۳ش‌ج–معرفه–بچه

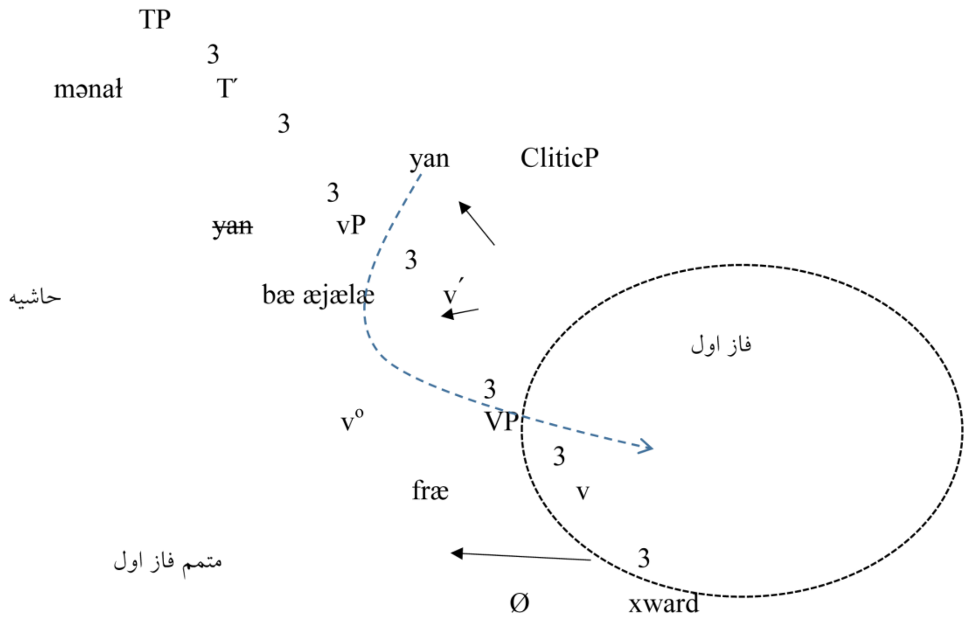
در مثال‌های (۱۰) همان‌گونه که مشهود است، در ساخت متعدی گذشته، هم قید مقدار و هم قید حالت وجود دارد. زمانی که واژه‌بست مطابقه قید مقدار را به‌عنوان میزبان انتخاب کند ۱۰(c)، جمله دستوری است؛ اما زمانی که قید حالت میزبان واژه‌بست باشد با توجّه به شمِّ زبانی نگارنده و گویشور بومی، جمله غیردستوری است و همانند مثال‌های ۱۰(b, d) نشان‌دار می‌شود. در قیدهای با دامنهٔ محدود مانند قید مقدار تنها بخشی از جمله تحت تسلط آن قرار می‌گیرد، ازآن‌جهت که در محدودهٔ فاز اوّل قرار دارد و با متمم فاز به بخش آوایی فرستاده می‌شود، جزء اوّلین گزینه‌ها برای میزبانی واژه‌بست مطابقه است. از طرفی واژه‌بست مطابقه، به‌طور خودکار و سامان‌مند، اوّلین سازه (که در اینجا قید مقدار است) را به‌عنوان میزبان برمی‌گزینند. در خصوص قیدهای با دامنهٔ گسترده[1] (ردفورد، ۲۰۰۹) مانند قید حالت که بر کل جمله تسلط دارد و کیفیت کل گزاره را تعیین می‌کند، با توجّه به داده‌های بالا، می‌توان گفت که اگر واژه‌بست قیدهای با دامنهٔ گسترده مانند قید حالت را به‌عنوان میزبان انتخاب کند، جمله غیردستوری است و نشان‌دار می‌شود؛ بنابراین با بررسی داده‌های کُردی اردلانی، به نظر می‌رسد که جایگاه قیدهای گسترده در خارج از فاز اوّل قرار دارد. زیرا به‌محض الحاق واژه‌بست به آنها جمله غیردستوری می‌شود. درنتیجه می‌توان گفت که قیدهای با دامنهٔ گسترده همانند قید حالت در حوزهٔ میزبان‌گزینی واژه‌بست قرار نمی‌گیرند. نمودار (۹) چگونگی اشتقاق فاز ساخت‌های گذشته همراه با قیدهای گسترده را در کُردی اردلانی نشان می‌دهد.

۱۱ . mənal-ækæ-n bæ æjælæ fræ=jan xwærd. «بچّه‌ها باعجله خیلی خوردند»

خوردن ۳ش‌ج= زیاد عجله با ۳ش‌ج–معرفه–بچه

---

۱ Wide Scope



نمودار (۱۰): اشتقاق فاز ساخت متعدی گذشته همراه با قید گسترده در کُردی اردلانی.

در نمودار (۱۰) همان‌گونه که مشهود است قید حالت «bæ æjælæ» به معنی «باعجله»، کیفیت کل گزاره را تعیین می‌کند و بر کل بند که همان گروه فعلی پوسته‌ای است تسلط دارد؛ بنابراین این قید جزء قیدهای گسترده محسوب می‌شود که به نظر می‌رسد در جایگاهی خارج از متمم فاز اوّل قرار دارد؛ بنابراین نمی‌تواند گزینه مناسبی برای میزبانی واژه‌بست باشد و واژه‌بست به‌طور خودکار و طبیعی اوّلین سازه در متمم فاز را که قید مقدار است، به‌عنوان میزبان انتخاب می‌کند. اگر در جمله، تنها مفعول و قید حالت وجود داشته باشد، واژه‌بست مفعول جمله را به‌عنوان اوّلین سازهٔ قابل دسترس برای میزبانی انتخاب می‌کند.

۱۲ . mnæł-ækæ-n bæ æjælæ sef=jan xwærd.

«بچّه‌ها باعجله سیب خوردند» خوردن ۳ش‌ج=سیب باعجله ۳ش‌ج-معرفه-بچه

در مثال(۱۲) ازآنجایی‌که قید حالت در جایگاهی خارج از محدودهٔ متمم فاز اوّل قرار دارد، درنتیجه جزء حوزهٔ میزبان‌گزینی واژه‌بست نیست و واژه‌بست مطابقه نمی‌تواند آن را به‌عنوان میزبان انتخاب کند. بنابراین مشاهده می‌کنیم که فاز، عامل تعیین‌کننده‌ی جایگاه اتصال واژه-بست به میزبان است و به‌محض انتقال اوّلین فاز به بخش آوایی، واژه‌بست مطابقه به اوّلین سازهٔ موجود در آن الحاق می‌شود و همراه با متمم فاز به بخش آوایی فرستاده می‌شود.

با توجّه به بررسی داده‌های بالا، می‌توان گفت که در کُردی اردلانی واژه‌بست‌های مطابقه در انتخاب قیدها به‌عنوان میزبان دارای محدودیت جایگاه هستند. بدین معنا که اگر قید در محدودهٔ فاز اوّل قرار گیرد و همراه با متمم فاز به بخش آوایی فرستاده شود، میزبان مناسبی برای واژه‌بست محسوب می‌شود؛ اما اگر خارج از محدودهٔ متمم فاز اوّل باشد، واژه‌بست نمی‌تواند آن را به‌عنوان میزبان برگزیند و در صورت انتخاب، جمله‌ی غیردستوری است؛ زیرا توسط گویشور بومی کُردی اردلانی استفاده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به بررسی گسترش‌پذیری واژه‌بست‌های مطابقه در گزاره‌های تک‌مفعولی زبان کُردی اردلانی با توجّه به تحلیل نظری سیتکو (۲۰۱۴) پرداختیم. با مطالعه‌ی محدودهٔ گسترش‌پذیری واژه‌بست‌های مطابقه در ساخت‌های همراه با صفت و قید نتایج قابل توجّهی به دست آمد. با توجّه به مثال‌های یادشده، مشاهده کردیم که گسترش‌پذیری واژه‌بست‌ها در کُردی اردلانی محدود به متمم فاز اوّل یعنی گروه فعلی هسته‌ای است؛ بنابراین عناصری که در این محدوده قرار می‌گیرند می‌توانند میزبان مناسبی برای واژه‌بست مطابقه باشند. در بررسی ساخت‌هایی که در آنها صفت و قید وجود دارد، مشاهده کردیم که هرگاه عناصر ذکرشده در محدودهٔ متمم فاز اوّل قرار گیرند ازآن‌جهت که همراه با متمم فاز به بخش آوایی فرستاده می‌شوند میزبان مناسبی برای واژه‌بست مطابقه هستند؛ زیرا به‌طور خودکار و سامان‌مند توسط واژه‌بست انتخاب می‌شوند. همچنین در بررسی محدودیت‌های موجود در انتخاب میزبان توسط واژه‌بست دریافتیم که واژه‌بست‌های مطابقه در انتخاب قیدها به‌عنوان میزبان دارای محدودیت جایگاه هستند. بدین معنا که اگر قید در محدودهٔ فاز اوّل قرار گیرد و همراه با متمم فاز به بخش آوایی فرستاده شود، میزبان مناسبی برای واژه‌بست محسوب می‌شود؛ اما اگر خارج از محدودهٔ متمم فاز اوّل باشد، واژه‌بست نمی‌تواند آن را به‌عنوان میزبان برگزیند و در صورت انتخاب، جمله‌ی غیردستوری و ساقط می‌شود؛ اما در انتخاب صفت به‌عنوان میزبان محدودیتی وجود ندارد و واژه‌بست مطابقه در کُردی اردلانی می‌تواند صفت‌ها را که با مفعول یک گروه اسمی تشکیل می‌دهند، به‌عنوان میزبان برگزینند؛ بنابراین می‌توان گفت که نظریهٔ فاز توانایی تبیین چگونگی گسترش‌پذیری واژه‌بست‌های مطابقه در گزاره‌های تک‌مفعولی کُردی اردلانی را دارد و جایگاه اتصال واژه‌بست به میزبان توسط فاز تعیین می‌شود.

کتاب‌نامه

۱- بدخشان، ا.، و کریمی، ی.، و رنجبر، ر. (۱۳۹۳). حالت‌نمایی در کردی سورانی. *زبانشناسی و گویش‌های خراسان*، ۲، ۱–۲۸.

۲- حسینی، ن. (۱۳۹۵). توزیع واژه‌بست در زبان کُردی اردلانی. *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

۳- حیدری‌زادی، ر.، و حسینی معصوم، س. م.، و نجفیان، آ.، و روشن، ب. (۱۳۹۵). تحلیل یک نوع فعل مرکّب فارسی بر اساس نظریّه اشتقاق فاز. *زبانشناسی و گویش‌های خراسان*، ۱۵، ۵۳-۷۴.

۴- دبیرمقدّم، م. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* (جلددوم). تهران: انتشارات سمت.

۵- رنجبر، ر. (۱۳۹۴). بررسی حالت و مطابقه در کردی سورانی(بانه‌ای و سنندجی)، رویکرد کمینه‌گرا. *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۶- رنجبر، ر. (۱۳۹۷). *تبیین حالت و مطابقه درزبان کردی*. تهران: انتشارات لوح محفوظ.

۷- شقاقی، و. (۱۳۷۴). واژه‌بست چیست؟آیا در زبان فارسی چنین مفهومی وجود دارد. **مجموعهٔ** *مقالات دانشگاه علامه طباطبایی*، ۸۳، ۱۴۱–۱۵۳.

۸- کریمی، ی. (۱۳۹۳) نگاهی به میزبان‌گزینی واژه‌بست‌ها از منظر نظریّهٔ فاز. **مجموعه** *مقالات دانشگاه علامه طباطبائی*، ۳۳۲، ۱۰۲۷–۱۰۴۲.

۹- محمّد ابراهیمی، ز.، و دانش‌پژوه، ف. (۱۳۸۷). واژه‌بست و روابط نحوی ـ معنایی آن با فعل در زبان کردی(گویش سورانی). *پژوهشنامه‌ی علوم انسانی*، ۵۸، ۱۴۵–۱۶۸.

۱۰- Baker, M. (۲۰۱۵). *Case: Its Principles and Its parameters*, Cambridge University Press.

۱۱- Chomsky. N. (۲۰۰۰). *Minimalist inquiries: the framework*. In Martin, R., Michaels, D. & Uriagereka

۱۲- Chomsky, N. (۲۰۰۱). *Derivation by Phase*. In M. Kenstowicz, *Ken Hale: A Life in Language* (pp. ۱-۵۴). Cambridge, MA: MIT Press.

۱۳- Citko, Barbara. (۲۰۱۴). *Phase Theory*. Cambridge University Press.

۱۴- Dabir-Moghaddm, M.(۲۰۱۲). Linguistic Typology: An Iranian perspective, *Journal of Universal Language*, ۱۳, ۳۱-۷۰.

۱۵- Grohmann, K. K. (۲۰۰۹). *Explorations of Phase Theory: Interpretation at the Interfaces*, New York: Oxford University Press.

۱۶- Holmberg, A., & Odden, D. (۲۰۰۴). Ergativity and role-marking in Hawrami. Paper presented at Syntax of the world's languages (SWL ۱), *Leipzig*, Germany.

۱۷- Karimi, Y. (۲۰۱۳). Extending Defective Intervention Effects. *The Linguistic Review ۳۰(۱)*, ۵۱-۷۵.

۱۸- Kazemi, F. Ranjbar, R. (۲۰۱۹). Affixation in Ardalani Kurdish Based on Distributed Morphology, *Theory and Practice in Language Studies*, ۴, ۴۵۹-۴۶.

۱۹- Roberts, T. (۲۰۰۰). *Clitics and Agreement*. mitwpl@mit.edu-http:/mit.edu/ mitwpl/. Cambridge: MA ۰۲۱۳۰USA.

۲۰- Syed, S., & Andrew, S. (۲۰۱۷). On the DP/NP status of nominal projections in Bangla: Consequences for the theory phases. Glossa: *a journal of general linguistic* ۲(۱), ۱-۲۴.

۲۱- Wackernagel, J. (۱۸۹۲). UbereinGesetz der Indo-Germanischen Wortstellung. *IndogermanischeForschungen*, ۱, ۳۳۳-۴۳۶.

۲۲- Zwicky, A. (۱۹۷۷). *On Clitics*. Bloomington: Indiana University Linguistics Club.

۲۳- Zwicky, A., & G. Pullum (۱۹۸۳). Cliticization verses Inflection: English n t. *Language*, ۵۹, ۵۰۲-۱۳.

۲۴- Zwicky, A. (۱۹۸۵). Clitks and particles. *Language* ۶۱, ۲۸۳-۳۰۵.